



The role of economic development in maintaining the Islamic system from the perspective of jurisprudence and law

MohammadReza Mahdloo Torkamani¹, Hassan Asadi^{2*}, Akbar Ahmadi³

1. PhD Student Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

3. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 147-163

Article history:

Received: 10 Jan 2022

Edition: 27 Feb 2022

Accepted: 26 Apr 2022

Published online: 25 Jun 2022

Keywords:

Economic Development, System Maintenance, Jurisprudence, Law

Corresponding Author:

Hassan Asadi

Address:

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-5232-3851

Tel:

09123532764

Email:

asadihasan171@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Economic development and political system have reciprocal effects on each other. The present study seeks to investigate the role of economic development in maintaining the Islamic system from a jurisprudential and legal perspective.

Materials and Methods: The present study is qualitative and theoretical. The method used is also descriptive-analytical and referring to documentary sources including jurisprudential sources.

Ethical considerations: In the present study, fidelity in the use of resources and accurate referral has been observed.

Results: Economic development in Islam, if based on the developing barren lands and the spread of work culture, the use of charity and the denial of usury, the promotion of endowment and moderation and avoidance of luxury, important legal consequences such as deprivation, poverty alleviation, creation Peaceful relations between the people will lead to the denial of dependence on foreigners, the strengthening of the Islamic system and the establishment of justice.

Conclusion: The model of Islamic economic development that can be achieved in the shadow of economic security, in practice should implement the elimination of deprivation, creating satisfaction among the people, providing services and promoting the economic model of Islam based on the interaction of material and spiritual affairs. In this case, the people are satisfied with the political system and the political system is protected from internal and external threats.

Cite this article as:

Mahdloo Torkaman MR, Asadi H, Ahmadi A. The role of economic development in maintaining the Islamic system from the perspective of jurisprudence and law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(2):147-163.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

نقش توسعه اقتصادی در حفظ نظام اسلامی از نگاه فقه و حقوق

محمد رضا مهدلو ترکمانی^۱، حسن اسدی^{۲*}، اکبر احمدی^۳

۱. دانشجوی دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: توسعه اقتصادی و نظام سیاسی دارای آثار متقابلی بر یکدیگر هستند. پژوهش حاضر درصدد بررسی نقش توسعه اقتصادی در حفظ نظام اسلامی از منظر فقهی و حقوقی است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع کیفی و نظری است. روش استفاده شده نیز توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع اسنادی از جمله منابع فقهی است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر، امانت‌داری در استفاده از منابع و ارجاع‌دهی دقیق رعایت شده است.

یافته‌ها: توسعه اقتصادی در اسلام در صورتی که با ابتناء بر احیای موات و گسترش فرهنگ کار، بهره‌گیری از انفاق و نفی ربا، ترویج وقف و اعتدال و دوری از تجمل‌گرایی بنا شود، نتایج حقوقی مهمی از جمله رفع محرومیت، فقرزدایی، ایجاد روابط مسالمت‌آمیز میان مردم، نفی وابستگی به بیگانگان، قدرتمند شدن نظام اسلامی و برقراری عدالت را در پی خواهد داشت.

نتیجه: الگوی توسعه اقتصادی اسلامی که در سایه امنیت اقتصادی قابل حصول است، در عمل باید رفع محرومیت‌ها، ایجاد رضایت میان مردم، ارائه خدمات و ترویج الگوی اقتصادی اسلام بر مبنای تعامل امور مادی و معنوی را اجرایی نماید. در این صورت رضایت مردم از نظام سیاسی حاصل می‌شود و نظام سیاسی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی مصون می‌ماند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۳-۱۴۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

واژگان کلیدی:

توسعه اقتصادی، حفظ نظام، فقه، حقوق.

نویسنده مسوول:

حسن اسدی

آدرس پستی:

ایران، ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۳۵۳۲۷۶۴

کد ارکید:

0000-0002-5232-3851

پست الکترونیک:

asadihasan171@gmail.com

۱. مقدمه

نظام‌های سیاسی همانند سایر پدیده‌ها همواره دچار تغییر و دگرگونی هستند. برای آنکه بتوان اهداف نظام سیاسی را محقق نمود و زندگی مادی و معنوی آنان را به مسیر بهبودی و کمال مطلوب هدایت نمود، ناگزیر از بهره‌مندی از روش‌ها و سازوکارهای خاصی هستیم. با توجه به اینکه هر نظام سیاسی، مسیر و راهکارهای خاصی در پیش می‌گیرد، الگوی خاصی از توسعه اقتصادی در آن جامعه پدید می‌آید. از نظر اسلام، اقتصاد و امور مربوط به آن، وسیله و ابزاری است برای رفع نیازهای انسان در جهت رشد و تعالی و تکامل او، باید همواره در نظر داشته باشیم که از وسیله جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان انتظاری داشت و هر زمان که خود به عنوان هدف قرار گیرد، همچون نظام‌های اقتصادی دیگر، با تمرکز و انباشت و سودجویی، عامل فساد و تباهی انسان می‌گردد. به علاوه اینکه، خودسازی معنوی و تلاش برای اجرای احکام الهی نیز هدف مهمی از اقتصاد و توسعه اقتصادی اسلامی است.

در کنار این مسأله، حفظ نظام سیاسی در هر مکتب و نظامی حائز اهمیت است. در اسلام برای حراست و حمایت از نظام سیاسی، قاعده «حفظ نظام» مطرح شده که البته باید توجه داشت که استدلال مطرح شده زمانی تمام است که حفظ نظام را به لحاظ عقل و شرعی واجب بدانیم. زیرا فقدان حکومت و نظام سیاسی منجر به اختلال نظام و هرج و مرج و استقرار ظلم می‌گردد. همچنین حفاظت و حراست از نظام سیاسی و مصون ماندن

از تهدیدات نیازمند دفع تهدیدات داخلی و خارجی همسو با رضایت مردم و پیاده کردن احکام شرعی است. در این صورت، الگوی توسعه اقتصادی در اسلام نیز می‌تواند پشتوانه‌ای برای حفظ نظام تلقی شود.

پژوهش حاضر به دنبال شناسایی سازوکارهای لازم برای بررسی نقش توسعه اقتصادی در حفظ نظام اسلامی از منظر فقه و حقوق است. سؤال پژوهش این است که راهکارهای توسعه اقتصادی که منجر به حفظ نظام می‌شود شامل چه مواردی است؟ فرضیه این است که احیای موات، فرهنگ کار و تلاش جمعی، نفی ربا، گسترش انفاق و قرض‌الحسنه قواعد فقهی مهمی برای توسعه اقتصادی هستند که منجر به کسب رضایت مردم و حفظ نظام اسلامی از سوی آحاد جامعه می‌شود. نوآوری پژوهش حاضر نیز برقراری ارتباط میان مقوله توسعه اقتصادی و حفظ نظام از منظر قواعد فقهی است که تاکنون موضوع پژوهش مستقلی نبوده است.

۲. مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. نگارندگان اطلاعات جمع‌آوری شده را به شیوه استنباطی تحلیل نموده‌اند.

۳. ملاحظات اخلاقی

در نگارش پژوهش حاضر، اصول اخلاقی نگارش تحقیقات علمی از جمله امانت‌داری در ارجاع‌دهی و استنادات دقیق مورد توجه نویسندگان بوده است.

۴. یافته‌ها

توسعه اقتصادی در اسلام یک مجموعه به هم پیوسته است. در این زمینه می‌توان تعبیر امام خمینی (ره) را در نظر گرفت که می‌فرماید: «مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام بصورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه‌جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده بوسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۶۸-۱۶۷). بر همین اساس، توسعه اقتصادی مطلوبی که بتواند امنیت را در جامعه به وجود آورد نیازمند در نظر گرفتن قواعد فقه اقتصادی از جمله نفی ربا، دفاع از قرض‌الحسنه، تلاش برای دفع سلطه خارجی (قاعده نفی سبیل)، تلاش برای عمران و آبادی و گسترش فرهنگ کسب و کار (احیای موات)، بهره‌گیری از انفاق، وقف و توسعه درون‌زا است. در این صورت، رفع محرومیت و نابرابری به عنوان نتایج به‌کارگیری این رویه اقتصادی است. از طرفی دیگر، از منظر حقوقی نیز، گسترش برابری و عدالت، تعاون و همکاری و

جلوگیری از انباشت ثروت نیز به وقوع می‌پیوندد. تلاش برای تغییر اوضاع اقتصادی جامعه و همچنین برقرار کردن مناسبات عادلانه در زمینه توزیع ثروت یکی از اهداف اقتصادی دین اسلام است که بی‌توجهی به آن، تبعات دشواری برای مردم و پیاده شدن احکام شرع در پی خواهد داشت. زیرا انباشت ثروت دارای آثار جبران‌ناپذیری در حوزه‌های مختلف است و اغنیاء را بر فقرا مسلط می‌کند. آثار اجتماعی این تسلط، منجر به از بین رفتن دین و دیانت انسانی و زمین ماندن احکام شرع می‌شود. مصداق روشن این تأثیرپذیری همان حدیث معروف است که می‌فرماید: «كادَ الفقر ان يَكُون الكفراً» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۰۷). اما آنچه از الگوی توسعه اقتصادی اسلامی می‌توان مطرح نمود این است که اقتصاد و امور مربوط به آن، وسیله و ابزاری است برای رفع نیازهای انسان در جهت رشد و تعالی و تکامل او. از این رو، انباشت ثروت به نحوی که باعث نابرابری طبقاتی شود، مردود است. نتایج سیاسی الگوی توسعه اقتصادی اسلامی نیز نشان‌دهنده آن است که در صورت عدم تحقق نیازها و مطالبات مردم، اجرای سایر احکام نیز با دشواری روبرو می‌گردد. همچنان که رضایت مردم جهت حمایت از نظام سیاسی اسلام و مشروعیت بخشیدن به آن نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بحران‌های داخلی و خارجی بر آن مستولی می‌شوند. برای حفظ نظام اسلامی، استمداد گرفتن از هر روش و ابزاری نیز قابل پذیرش نیست و تا زمانی که نظام اسلامی خود را مقید به اجرای احکام شرع می‌داند و رضایت مردم را مدنظر قرار

می‌دهد، حمایت و حفظ آن قابل پذیرش است. در غیر این صورت، نمی‌توان صفت نظام اسلامی را به آن اطلاق نمود. آثار حقوقی توسعه اقتصادی در قالب نفی سبیل، عدم وابستگی، دفع مفسد، تلاش برای رفع عدالت و حقوق برابر قابل ذکر است که منجر به حفظ نظام می‌شود.

محتکران حاصل می‌شود، عدالت و اعتماد را در میان مردم گسترش می‌دهد که خود نشانه‌های مهمی برای مردمی بودن حکومت و تلاش برای حفظ آن است.

مبارزه با احتکار به عنوان یکی راهکارهای تأمین امنیت اقتصادی و سپس دستیابی به توسعه اقتصادی در فقره‌ای طولانی از سوی امام علی (ع) مطرح شده است. ایشان، ضمن با اهمیت دانستن کار بازرگانان و صاحبان صنایع، نظارت دقیق بر کار آنها توسط حکومت و فرستادن بازرسان حکومتی برای کنترل قیمت‌ها و عدم احتکار بر کالاها و در نهایت کیفر و مجازات نمودن مجریان را بهترین راه در جهت کنترل اعمال و دور کردن این قشر از ایجاد اخلال و پاره‌ای از مفسد اقتصادی می‌داند. آن حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، به بازرگانانی که در شهر ساکن هستند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش، آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها، و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجا، شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند، از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آنها بیندیش، چه در شهری که تو به سر می‌بری،

احتکار و ذخیره کردن مواد غذایی در حالی که مورد نیاز مردم است و به اندازه کافی در بازار وجود ندارد ممنوع است و حکومت اسلامی می‌بایست کلیه محتکران را مجبور به فروش کند و اگر بخواهند در تعیین نرخ به مردم اجحاف کنند آنها را وادار به تنزل نماید، و در صورتی که خودشان اقدام به این کار نکنند حکومت اسلامی با در نظر گرفتن مصالح عموم مردم، اقدام به تعیین نرخ می‌کند. در مورد غیر مواد غذایی اگر نیاز شدید و مبرمی به جنس احتکار شده بوده باشد و ادامه احتکار سبب اختلال نظام جامعه اسلامی گردد، حکومت اسلامی نمی‌تواند همانند مواد غذایی با آن عمل کند. بلکه اقدامات فوری جهت برقراری امنیت اقتصادی انجام می‌دهد. در اسلام همه اینها ممنوع و حرام می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۰). نتیجه این رویه، ایجاد امنیت اقتصادی و در نتیجه فراهم شدن شرایط مناسب برای پیاده شدن الگوی توسعه اقتصادی عادلانه در جامعه اسلامی است. توسعه اقتصادی مطلوب که از قبل مبارزه با

۵. بحث

۵-۱. مبارزه با احتکار؛ توسعه اقتصادی و

حفظ نظام

احتکار و ذخیره کردن مواد غذایی در حالی که مورد نیاز مردم است و به اندازه کافی در بازار وجود ندارد ممنوع است و حکومت اسلامی می‌بایست کلیه محتکران را مجبور به فروش کند و اگر بخواهند در تعیین نرخ به مردم اجحاف کنند آنها را وادار به تنزل نماید، و در صورتی که خودشان اقدام به این کار نکنند حکومت اسلامی با در نظر گرفتن مصالح عموم مردم، اقدام به تعیین نرخ می‌کند. در مورد غیر مواد غذایی اگر نیاز شدید و مبرمی به جنس احتکار شده بوده باشد و ادامه احتکار سبب اختلال نظام جامعه اسلامی گردد، حکومت اسلامی نمی‌تواند همانند مواد غذایی با آن عمل کند. بلکه اقدامات فوری جهت برقراری امنیت اقتصادی انجام می‌دهد. در اسلام همه اینها ممنوع و حرام می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۰). نتیجه این رویه، ایجاد امنیت اقتصادی و در نتیجه فراهم شدن شرایط مناسب برای پیاده شدن الگوی توسعه اقتصادی عادلانه در جامعه اسلامی است. توسعه اقتصادی مطلوب که از قبل مبارزه با

يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره/۲۷۵). «کسانی که ربا می‌خورند (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر آن که مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده به پا می‌خیزد. این به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ریاست در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام و اگر کسی اندرز الهی به او برسد و خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست کار او به خدا واگذار می‌شود، اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش‌اند و همیشه در آن می‌مانند». بر مبنای آیه شریفه، ربا نمی‌تواند منجر به توسعه اقتصادی منجر شود، بلکه حتی بنیان جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد. چنانچه معاملات هم درباره آنها انجام پذیرد، صحیح نخواهد بود و ملک کسی بشمار نمی‌رود. رباخواری دشمنی می‌آفریند، کینه‌ها را در سینه‌ها راسخ می‌کند، و بذر نفاق و تفرقه را در جامعه می‌پاشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۲۶). بنابراین علاوه بر ناکارآمدی اقتصادی، بنیان جامعه نیز مورد تهدید واقع می‌شود. در این صورت حفظ نظام بیش از پیش دشوار شده و هزینه‌های اداره جامعه از منظر سیاست‌گذاری و اعتماد مردم به مقامات سیاسی افزایش می‌یابد.

در این باره از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که می‌فرمایند: «فی الفاظ رسول الله الموجهة

یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر دادم. این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او زیاده‌روی نکن (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۸۲). بنابراین، مقابله با فساد و مفسدین اقتصادی یکی از اصول مهم تفکرات امام علی (ع) می‌باشد. اصولی که منجر به برقراری امنیت اقتصادی، فراهم ساختن شرایط لازم برای توسعه اقتصادی و در نتیجه کسب رضایت و اعتماد مردم جهت حفظ و حمایت از نظام اسلامی می‌شود.

۵-۲. نفی ربا و دفاع از بیع و قرض الحسنه

توسعه اقتصادی حلال و سالم در اسلام بسیار حائز اهمیت است. این موضوع در کاربست شیوه‌های سالم نظیر بیع، انفاق، قرض الحسنه و وقف و دفع روش‌های ناسالم نظیر ربا جلوه‌گر می‌شود. یکی از مصادیق مهم در این زمینه، استفاده از بیع است. مستندات این رویکرد در آیه شریفه است که می‌فرماید: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا

التي لم يسبق اليها» (شرح المكاسب كسب الربا) «بدترین درآمدها درآمد ربا است» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۲، ۴۲۶). در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: هشام بن حکم می‌گوید از امام صادق (ع) درباره فلسفه تحریم ربا سؤال کردم امام در جمله‌ی کوتاهی چنین فرمود: «اگر رباخواری حلال باشد مردم تجارت و فعالیت‌های تولیدی را که مورد نیاز جامعه آنها است ترک می‌گویند، و به رباخواری روی می‌آورند، لذا خداوند ربا را حرام کرده تا مردم از حرام به حلال روی آورند، و به سراغ کسب و کار و خرید و فروش و تولید بروند، و مسأله قرض بصورت قرض الحسنه در میان آنها باقی بماند» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۲، ۴۲۷). کوتاه سخن اینکه موضع‌گیری اسلام در برابر مسأله ربا آن چنان صریح و قاطع و آشکار است که جای هیچ‌گونه تردید و شک و شبهه برای هیچکس باقی نمی‌گذارد که یک جامعه اسلامی مادام که از رباخواری به شکل فردی و جمعی پاک‌سازی نشده باشد، جامعه اسلامی به معنی واقعی نخواهد بود. به علاوه اینکه توسعه اقتصادی مبتنی بر ربا نمی‌تواند منجر به حفظ نظام گردد.

گسترش ربا به معنای کج شدن مسیر توسعه و ترک آن چیزی است که الگوی توسعه اقتصادی در اسلام مطرح می‌کند. از جمله عواملی که در نتیجه ربا ترک می‌شوند، انفاق است. به فرموده قرآن کریم، انفاق از این جهت که مانع هلاکت یک جامعه می‌شود، ضامنی برای ایجاد و برقراری امنیت در یک جامعه به شمار می‌رود. خداوند به صراحت بیان می‌دارد که انفاق کنید تا از افتادن در

هلاکت مصون بمانید. به تعبیر قرآن کریم که می‌فرماید: «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». «و در راه خدا انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره/آیه ۱۵۹).

ترک انفاق براساس آیه شریفه فوق، باعث هلاکت جامعه می‌شود. به این دلیل که ترک چنین عمل صالحی باعث تسلط توانگران بر مستمندان می‌شود که زمینه‌های بروز رفتارهای اجتماعی نابهنجار را پدید می‌آورد. بنابراین بهتر است که انسان‌های مؤمن هرگز پای خود را در جای پای ستمکاران نگذارند تا امنیت اجتماعی به شکل مؤثری تأمین شود. توسعه اقتصادی ناشی از عدم انفاق، ناقص است و قرآن کریم جامعه ناعادلانه را مستعد هلاکت می‌داند، زیرا انباشته شدن مشکلات و مسائل اجتماعی در نهایت به خشونت و هلاکت انجامیدن جامعه منجر می‌شود. هلاکت فردی به اینکه [فرد] جان خود را در معرض عذاب اخروی خداوند و نفرت و انتقام مردم در دنیا می‌گذارد و هلاکت اجتماعی بدین ترتیب که اختلاف‌ها و کینه‌ها و سستی و از هم گسستن‌ها و ظلم‌ها را در جامعه می‌آورد. همچنین جلوگیری از نیکوکاری نوعی تجاوز و تعدی و ظلم به حساب می‌آید (قطب، ۱۳۷۹، ۱۰۴-۱۰۳). که خود عاملی برای نابرابری و در نتیجه تهدید امنیت اجتماعی است. علاوه بر این، امنیت، ابعاد مختلفی دارد و آنچه بیش از همه باعث نگرانی است، نابرابری‌های اقتصادی و

مردم و شهروندان، عمران آبادانی وظیفه هر مسلمانی است. اما قرارداد این آبادانی بر مبنای وابستگی در سنت ما به شدت محکوم شده است. در این باره بر تلاش و مجاهدت برای توسعه درون‌زا تأکید شده است. حضرت علی هم در این رابطه بیان کردند: «ملتی که آب دارد خاک دارد، ولی محتاج است خدا او را از رحمت خود دور کند (حمیری، ۱۴۰۳، ۱۱۵).

بر همین اساس در اسلام، بر «احیای موات» به عنوان راهی برای گسترش فرهنگ کار و تلاش و دوری از شیوه‌های ناسالم اقتصادی تأکید شده است. یعنی اگر کسی از دریا و رودخانه آزاد یا دشت و کوه صید کند، یا از جنگل چیزی به دست‌آورد یا زمین مواتی را با کشت و زراعت احیا کند یا ساختمان و بنایی روی آن بسازد مالک آن می‌گردد، در صورتی که می‌دانیم دریا، صحرا، کوه و دشت و جنگل از انفال بوده و ملک امام و در اختیار حکومت اسلامی است. بنابراین، فعالیت‌های مذکور باید با موافقت حاکم اسلامی باشد. در نتیجه، اگر فعالیت‌های مشخص، در چارچوب مقررات حکومتی انجام گیرد یا دست‌کم ممنوع نباشد، مالکیت‌آور است. اما اگر خلاف مقررات بوده و به ضرر جامعه باشد مانند صید در مناطق ممنوع یا در فصل‌هایی از سال که ممنوع است یا با ابزارهای ممنوع و یا بهره‌برداری از جنگل به گونه‌ای که با تخریب و تضييع همراه باشد مالکیت‌آور نیست (یزدی، ۱۳۷۵، ۳۶۳). بدین ترتیب، بهره‌برداری منوط به احیا، حیات و انجام کار مفید اقتصادی است (صدر، ۱۳۹۳، ۵۱۱-۵۱۰).

اجتماعی است که در اثر شکل‌گیری رویه‌های ناسالم توزیع مزایای اجتماعی و اقتصادی به ناامنی در جوامع دامن زده است. این مسأله حتی در نابرابری‌های ناشی از توزیع امکانات رفاهی در جامعه ما نیز دیده می‌شود. هرچند در اینجا، قضیه کمبود غذا و امکانات رفاهی مطرح نیست، بلکه کمبود عدالت اجتماعی بیشتر مطرح است. بنابراین از کمبود غذا و امکانات رفاهی نباید زیاد وحشت داشت (درتکیده، ۱۳۹۳، ۲۱). زیرا نتایج اجتماعی گسترش ربا و ترک انفاق باعث ایجاد انواع ناامنی در جامعه می‌شوند. از سوی دیگر، ابعاد انفاق بسیار گسترده است. بدین ترتیب از نظر آموزه‌های دینی، کسانی که ظلم می‌کنند در معرض نابودی هستند و رفتارهای افراد در یک جامعه اگر به حدی باشد که باعث گسترش ظلم و بی‌عدالتی گردد، زمینه‌های ناامنی اجتماعی را پدید می‌آورد. این الگوی توسعه هرگز مورد تأیید اسلام نیست.

۵-۳. توسعه اقتصادی؛ رفاه و تلاش همگانی

استواری و پایداری نظام اسلامی همانند سایر نظام‌های سیاسی نیازمند میزانی از رفاه و برابری همگانی است. کار و تولید همواره در اسلام تکریم شده است و تلاش و مجاهدت به عنوان عزت مسلمانان دانسته شده است. چنانکه در سنت نبوی، تأکیدات زیادی بر کار و تلاش برای عمران و آبادی جامعه شده است. به نقل از امام صادق (ع) از کار و تولید به عزت یاد شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۳، ۱۹۲). بنابراین برای حفظ نظام اسلامی از گزند تهدیدات و آسیب‌ها، ایجاد رضایت میان

می‌اندیشد، بلکه به دنبال آن است تا رفاه عمومی را که باعث رشد و ترقی ابعاد انسانی می‌شود، مدنظر قرار دهد. خداوند متعال، پرهیزگاری و شکرگذاری را مایه افزونی نعت می‌داند و بهره‌مندی از دنیا را تا جایی موجه می‌داند که موجب سرمستی و رفاه زدگی نگردد «و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶). بنابراین در اسلام، موضوع رفاه، هدفی ثانوی است. اما تحقق آن به منزله ارتباط بیشتر میان مردم و نظام سیاسی می‌شود و در صورت انجام وظایف حکومت در این زمینه، پذیرش اعمال و دستورات نظام سیاسی نیز با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. بر این موارد باید، هشدارهای دین اسلام را نیز در نظر گرفت که از جمله پرهیز از هدف دانستن رفاه و دل بستن به زخارف و زرق و برق‌های دنیوی است. زیرا زرق و برق‌های دنیوی، عقل‌های ضعیف را فاسد و زایل می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۵).

از طرفی دیگر، حفظ نظام اسلامی از منظر اقتصادی، نیازمند در نظر گرفتن رویه‌ای معتدل و پرهیز از افراط و تفریط است. در آیات متعددی از قرآن کریم بر ضرورت پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی تأکید شده است. استفاده از زینت و زیبایی اگر در حد اعتدال باشد هیچ اشکالی ندارد، ولی بسیاری از مردم در جریان زندگی، راه افراط را در پیش می‌گیرند و به دلایل متعددی، مسیر تجمل‌گرایی را در پیش می‌گیرند.

برای پرهیز از تجمل‌گرایی و افتادن در دام افراطی‌گری، قرآن کریم همواره مسلمانان را از

استدلال این است که برای رونق کسب و کار و برقراری امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی، منابع طبیعی تولید که دولت اسلامی با هدف بهره‌برداری در اختیار افراد قرار داده است، نباید بدون عذر موجه معطل بماند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «عامل تحجیر موظف است بلافاصله پس از تحجیر، به احیای زمین پردازد و حق ندارد زمین موات تحجیرشده را معطل بگذارد و آن را رها کند. در صورتی که مدتی آن را رها کند و کسی از او به حاکم اسلامی شکایت کند، حاکم اسلامی او را به احیا یا رفع ید از آن ملزم خواهد کرد تا زمینه برای احیای دیگران فراهم آید» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ۲۰۷). بدین ترتیب، احیای موات راهی برای گسترش فرهنگ کار و تلاش و جلوگیری از اتلاف منابع به شمار می‌رود. امری که باعث اشتغال‌زایی، خودکفایی، کار و تلاش بر روی زمین‌های کشاورزی شده و امنیت و ثبات اقتصادی را بوجود می‌آورد. ترویج فرهنگ کار و اشتغال، بخش مهمی از فرایند توسعه اقتصادی مطلوب در اسلام و عاملی برای حفظ نظام در برابر تهدیداتی نظیر وابستگی اقتصادی است.

کار و تلاش در جامعه اسلامی باعث رفاه و خودکفایی مردم از وابستگی به اجانب می‌شود. با کار و مجاهدت، عمران و آبادی پدید می‌آید و این یک از نشانه‌های جامعه اسلامی است که مردم آن از رفاه مناسبی برخوردار بود و بخش مهمی از این وظایف بر عهده حاکم گذاشته شده است (صبحی، ۱۴۲۰، ۷۹). بدین ترتیب، الگوی توسعه اقتصادی در اسلام نه تنها به رفع نیازهای اساسی بشر

ما باید کوشش کنیم تا اخلاق کاخ‌نشینی را از ملت بزداييم و اگر می‌خواهيم اسلام جاويدان بماند. بايد مردم را کاخ‌نشینی پايين کشيد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۷، ۲۱۷). بنابراین در اسلام زینت داشتن امری پسندیده است اما تجمل‌گرایی و پیش گرفتن رویه‌های مصرف تجمل‌گرایانه مذموم و نکوهش شده است. تجمل‌گرایی و ترویج آن در بخش‌های مختلف جامعه باعث ایجاد بی‌اعتمادی میان مردم و نظام سیاسی می‌شود و نتایج آن، عدم حمایت از برنامه‌های دولت در داخل و خارج است. هنگامی که یک بخش از جامعه در رفاه و تجمل‌گرایی غوطه‌ور شود و بخش‌های گسترده دیگری از جامعه در فقر به سر ببرد، بی‌اعتمادی و ناامنی در جامعه گسترش پیدا می‌کند. در هر صورت باید گفت آثار توسعه اقتصادی بر امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی به اشکال متفاوتی نمایان می‌شود که به مصادیق آن اشاره می‌کنیم.

۴-۵. عدالت و اعتدال

اثری که توسعه اقتصادی بر حفظ نظام اسلامی بر جای می‌گذارد، حاکم شدن رویه عدالت‌گرایی است. زیرا مهم‌ترین وظیفه نظام اسلامی، برقراری عدالت در جامعه است و نقطه تمایز مذهب اقتصادی و علم اقتصاد در اسلام است (صدر، ۱۳۹۳، ۴۲۱). حفظ نظام اسلامی بدون برقراری رویه عادلانه و به دور از فقر و محرومیت امکانپذیر نیست. عدالت اجتماعی در تمامی زمینه‌ها، از جمله اقتصاد در رأس برنامه‌های پیامبران الهی معرفی شده است (سوره حدید/آیه ۲۵). یکی از مهمترین

زیاده‌روی و اسراف و تجاوز از حد، بر حذر داشته و نهی می‌کند و به سوی اعتدال رهنمون می‌کند. خداوند در سوره مبارکه اعراف آیه ۳۱ می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد».

خداوند در جمله «وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا» اشاره به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاک و پاکیزه می‌کند و می‌گوید از آنها بخورید و بنوشید. اما چون طبع زیاده‌طلب انسان، ممکن است از این دو دستور سوءاستفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد. حفظ نظام اسلامی از طریق در پیش گرفتن رویه اعتدالی و همسو با طبع انسانی است و زیاده‌روی، می‌تواند زمینه‌ساز به دام افتادن مردم جامعه اسلامی شود. این اصل، حاکم بر این است که جلوی هرگونه زیاده‌روی گرفته شود و انسان نیز هنگام استفاده از مواهب نظام آفرینش، راه سوءاستفاده را بگیرد و به اعتدال روی بیاورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴۹-۱۴۸). در همین زمینه امام‌راحل (ره) نیز می‌فرماید: «خوی کاخ‌نشینی با تربیت صحیح دارای منافات است؛ همچنین با اختراع، تصنیف و تألیف نیز منافات دارد. اگر تمام دنیا هم بخواهید گردش کنید و بیابید، اگر بتوانید پیدا کنید، یکی دو تا و چندتا است. همه مصنفین، کوخ‌نشین بودند.

دیده می‌شود (شاکری و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۵). اصولاً جوامع توسعه‌یافته‌تر و دارای عدالت اجتماعی بیشتر، همزمان دارای میزان بالاتری از اعتماد اجتماعی هم هستند. بدین معنا که افراد در جوامع توسعه‌یافته اعتماد بیشتری نسبت به یکدیگر، نظام و نهادهای و اجتماعی و سازمان‌های جامعه دارند. همین رابطه مبتنی بر اعتماد باعث شکل‌گیری روحیه همکاری و انسجام در میان افراد جامعه می‌شود و آنان را در برابر آسیب‌های اجتماعی مقاوم می‌سازد.

بر مبنای رویه مطرح شده در بالا، حفظ نظام اسلامی نیز نیازمند قدرتمند شدن و توان روزافزون است. این موضوع در آیه ۶۰ سوره انفال به روشنی مطرح شده است که آیه شریفه بیان می‌دارد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْ تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ». «هر نیروئی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید به طور کامل به شما باز گردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد».

روشن است که مقصود از توانمند شدن به معنای بهره‌گیری از سازوکارهای نظامی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در هر دوره زمانی است که از نظر شکلی تفاوت‌های قابل توجهی به صدر اسلام دارد. در هر

اهداف نظام اقتصادی اسلام، ریشه‌کن کردن فقر و ایجا رفاه عمومی در جامعه دانسته شده است. بر این اساس، حکومت اسلامی از یک‌سو و ثروتمندان جامعه از سوی دیگر وظیفه دارند که در راستای تحقق این هدف تلاش نمایند. تلاش برای رفع محرومیت‌ها و فقرزدایی، تا جایی حائز اهمیت است که حتی در اموال ثروتمندان، حقی برای محرومان در نظر گرفته شده است. در همین باره از امام صادق (ع) روایت شده است که فرموده است: «به فقیر، آن مقدار از زکات داده شود که او را بی‌نیاز گرداند» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ۹، ۲۵۸). بدین ترتیب تحقق عدالت در نظام اسلامی، علاوه بر اینکه یک هدف عالی اجتماعی است، باعث رضایت مردم از عملکرد نظام سیاسی و پایبندی به ارزش‌های نظام سیاسی نیز می‌شود. این رویه به دنبال ایجاد توازن و تکافل بین توانگران و بینوایان و از بین بردن محرومیت‌ها و تحقق دادن یک اجتماع متعاون و همدست و ایمن است (قطب، ۱۳۷۹، ۱۱۰). از این منظر، خداوند هرگز گرایشی به ظلم و ستم ندارد و بر آن است تا هر چیزی در جای خویش قرار گیرد و توسعه اقتصادی در اسلام نیز می‌بایست چنین هدفی را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد.

۵-۵. توسعه اقتصادی، عاملی برای قدرتمند

شدن نظام اسلامی

استدلال می‌شود که سطح اعتماد اجتماعی نسبتی معنادار با میزان توسعه‌یافتگی و سطح برابری اقتصادی دارد. بنابراین میان اعتماد و رشد اقتصادی و اجتماعی نیز رابطه‌ای مثبت و دوسویه

است: «أَلَذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جَوْعٍ وَأَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش/۴).

وجود نعمت امنیت در هر جامعه‌ای از جمله جامعه اسلامی، نشانه‌ای بر اتکای نظام اسلامی بر ستون‌هایی محکم و استوار است. گواه اهمیت این نعمت و شدت ارتباط این دو نشان‌دهنده ارتباط و پیوستگی آنان است. ابراهیم خلیل (ع) هنگامی که برای سرزمین مکه و مردم آن دعا می‌کنند، چنین می‌گوید: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره/۱۲۶) در این آیه، بیان می‌شود که ابتدا نعمت امنیت را و سپس روزی فراوان مردم آنجا را از خداوند طلب می‌کند. بنابراین اگر توسعه اقتصادی باعث ایجاد امنیت در جامعه اسلامی می‌شود، به شکلی متقابل، امنیت نیز مقدمه‌ای برای تکاپوهای اقتصادی و رشد و توسعه پایدار جامعه اسلامی است. در یک بیان روشن، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «شر البلاد، بلدٌ لا أَمْنَ فِيهِ وَ لا خَصْبٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۰۱). یعنی بدترین شهرها، شهری است که نه امنیت دارد و نه فراوانی نعمت. به یقین بدون امنیت نمی‌توان به توسعه اندیشید. به نظر می‌رسد راهکار اساسی برای تأمین امنیت، توسعه اقتصادی، ایجاد اعتماد میان مردم و نظام اسلامی و ایجاد نظامی از پشتوانه مردمی برای امنیت پایدار است.

۵-۶. عدم وابستگی به دشمنان نظام اسلامی

هنگامی که بر مبنای مؤلفه‌های برابری، رفاه و تعادل، بتوان جامعه اسلامی را به سطح مطلوبی از توسعه رساند، توان تولیدی و اقتصادی جامعه

صورت، یکی از راهکارهای مهم برای قدرتمند شدن، توسعه اقتصادی است. از این جهت که توسعه اقتصادی، منجر به رفع محرومیت‌ها و نیازهای اولیه انسانی می‌شود و امنیت همه‌جانبه را در جامعه پدید می‌آورد. بدین ترتیب اثر دیگری که توسعه اقتصادی بر حفظ نظام اسلامی می‌گذارد، برقراری امنیت در سطوح مختلف است. در فقه اسلامی از امنیت به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان یاد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵، ۲۳۴). بنابراین اهمیت امنیت برای نظام اسلامی به اندازه‌ای مهم و حائز اهمیت است که رسول گرامی اسلام (ص) درباره آن می‌فرمایند: «دو نعمت است که قدرشان مجهول است؛ یکی سلامتی و دیگری امنیت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸، ۱۷۰). روند توسعه اقتصادی اگر به نحو مطلوب و بر مبنای دیدگاه متوازن و متعادل اسلام صورت گیرد، امنیت را به ارمغان می‌آورد. امنیت از شاخصه‌های توسعه اقتصادی و توسعه پایدار اسلامی است که بدون آن، زندگی دوامی نخواهد داشت. جامعه ناامن به طور طبیعی، جامعه‌ای توسعه نیافته است که به سبب ناامنی، دیگر مؤلفه‌های توسعه پایدار را نیز از دست می‌دهد. در چنین جامعه‌ای سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت، راه‌اندازی کارخانجات صنعتی و مانند آن بی‌رونق خواهد بود. همچنین ناامنی، فرار سرمایه‌ها و مغزها را در پی دارد که نتیجه آن فقر و عقب‌ماندگی می‌باشد. قرآن کریم از نعمت‌هایی که بر مردم قریش می‌شمارد پس از ذکر نابودی لشکریان ابرهه، رهایی از گرسنگی و رفع ناامنی

در زمره قواعد ثانوی فقهی است (عمید زنجانی، ۱۳۹۳، ۳، ۲۷). استنباطی که از این قاعده برای عرصه سیاست و اجتماع از جمله حفظ نظام اسلامی می‌شود آن است وقتی که کفار، مواضع خصمانه و سلطه‌طلبانه داشته باشند، و بر ضد نظام اسلامی قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری نمایند، در این صورت بر مسلمانان لازم است که مقاومت کنند، و هرگونه پیوند محبت و دوستی را با آنان قطع کنند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ۱، ۲۱۴).

فقه‌ها از این قاعده برای حفظ نظام اسلامی از جمله در برابر تهدیدات بیرونی استفاده کرده‌اند. سابقه تاریخی بهره‌گیری از این قاعده فقهی جهت حفظ نظام اسلامی را می‌توان به فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و نفی قانون کاپیتولاسیون توسط امام خمینی (ره) مشاهده نمود. بر اساس این اصل، حضرت امام (ره) در تحریرالوسیله مطرح می‌کنند: «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود ترک این روابط بر تمام مسلمانان واجب می‌شود. در اینجا فرقی میان استیلاء سیاسی یا فرهنگی و معنوی دشمن وجود ندارد. اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی اینها گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان نمایند بر ترک روابط سیاسی این چنانی هر چند به وسیله مبارزه منفی

اسلامی نیز فزونی یافته و از اتکاء و وابستگی به دشمنان نیز کاسته می‌شود. آنچه در فقه و حقوق اسلامی مطرح می‌شود، بهره‌گیری از قاعده نفی سبیل است. در آیه شریفه بیان شده است: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً». «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». در آیات دیگر نیز این نشانه‌ها وجود دارد. در آیه دیگری نیز چنین توصیه شده است: «يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين أولياء من دون المؤمنين، أتريدون أن تجعلوا لله عليكم سلطاناً مبيناً». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کافران را در مقابل مؤمنان برای خود دوست مگیرید. مگر می‌خواهید برای خدا علیه خودتان دلیلی آشکار قرار داده باشید؟!».

در هر صورت آیات فوق نشان‌دهنده توجه به عدم سلطه کافران و بر مسلمانان است که در صورت عدم توسعه اقتصادی، همواره امکان وابستگی وجود دارد. قاعده نفی سبیل از جمله قواعد ثانوی دین اسلام است. سبیل در لغت به معنای راه، غلبه و تسلط، حجت، عتاب و عذاب آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ۵، ۳۹۲). در شکل کاربردی نیز قاعده مزبور به معنای آن است که ارزش‌های حیاتی نظام اسلام از جمله استقلال و خودکفایی نباید تحت تأثیر تصمیمات کافران و بیگانگان قرار گیرد. قاعده نفی سبیل به معنای آن است که هرگاه منافع و ارزش‌های حیاتی جهان اسلام، به خطر بیفتند، قواعد ثانویه فقهی که ضامن تأمین ارزش‌های متعالی و حیاتی اسلام است، نمودار شده و قواعد اولیه را نیز باطل اعلام می‌کنند. قاعده نفی سبیل

ارتش و دیگر شوون کشور گردد، ممنوع است». بدین ترتیب، توسعه اقتصادی موجب افزایش قدرت داخلی، مقابله با تهدیدات خارجی و تصمیم‌گیری مبتنی بر استقلال در سیاست‌گذاری می‌شود. امری که در نهایت موجب جلب اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی و آنچه حفظ نظام خوانده می‌شود، منتهی خواهد شد.

۶. نتیجه

قواعد فقهی به عنوان پشتوانه توسعه اقتصادی در جامعه اسلامی نقش مهمی در حفظ نظام بر عهده دارند. بدین معنا که قاعده احیای موات منجر به آبادانی، توسعه فرهنگ کار و تلاش و دوری از کارهای غیرمولد می‌شود؛ دوری از ربا و بهره‌گیری از بیع، انفاق، قرض‌الحسنه، و وقف، روش‌های مناسبی برای توسعه اقتصادی عادلانه و دوری از انباشت ثروت برای عده‌ای خاص می‌شوند. همچنان که انفاق جلوی هلاکت جامعه را می‌گیرد و انفاق باعث ترویج همکاری، کمک به هموعان و اعتماد اجتماعی می‌گردد. همچنین ترویج اعتدال و میانه‌روی و دوری از تجمل‌گرایی، باعث جلب اعتماد و رضایت مردم از نظام سیاسی می‌شود که خود مصونیت لازم را جهت حفظ نظام پدید می‌آورند. به علاوه اینکه توسعه اقتصادی در اسلام، هدفی نهایی و غایی محسوب نمی‌شود و تنها ابزاری برای سعادت‌مند کردن انسان، تلاش برای رفع نیازهای دنیوی و دستگیری از محرومیت‌ها می‌باشد. بر همین مبنا توسعه اقتصادی در اسلام تابعی از احکام شرع است که اصول: حمایت از

باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ۱، ۱۸۵). بدین ترتیب، نقش قاعده نفی سبیل در حفاظت از نظام اسلامی و زمینه‌سازی برای تشکیل جامعه نمونه و ایده‌آل اسلامی برجسته است. نتیجه بهره‌گیری از این رویکرد فقهی، عزت و سربلندی مؤمنان است که منجر به خودکفایی و استقلال کشور در برابر تهدیدات خارجی می‌شود. حتمیت برتری آیین اسلام که پیامبر اکرم (ص) از آن خبر داده است، همواره نشانگر برتری امت اسلام و کسب سربلندی و عزت برای آنان است. بدین ترتیب قاعده نفی سبیل به منظور حفظ نظام اسلامی و پاسداری از آن و محقق شدن اصل عزت و سربلندی امت اسلام و آیین آن، برای همیشه ثابت است و راهگشای مسلمانان خواهد بود (کرمی و پورمند، ۱۳۸۵، ۴۳). در همین راستا، حقوق اسلامی نیز به پیروی از فقه و احکام دینی، راهکارهای خاصی برای حفظ نظام و تقویت آن در برابر تهدیدات خارجی صورت داده است. از جمله در حقوق و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این قاعده استناد شده است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب، استوار است». در اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی،

محرومان و جلوگیری از انباشت ثروت، منع اسراف و زیاده‌روی، مبارزه با تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، عدم وابستگی، قدرتمند شدن نظام اسلامی جهت مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی، برقراری رفاه و عمران همگانی و حاکم شدن کار و تلاش برای رسیدن به اهداف اساسی نظام اسلامی که همان اجرای احکام شرع و به سعادت رسانیدن مردمان است. در این الگو، عدالت و برابری به عنوان محور توسعه قرار می‌گیرد و انباشت ثروت و محروم ماندن بخش‌های گسترده‌ای از جامعه از خدمات و امور رفاهی قابل پذیرش نیست. توسعه اقتصادی در اسلام، ارزش‌ها را فدای ثروت‌اندوزی و راهی برای افزایش ثروت اقلیتی خاص نمی‌بیند و به دنبال آن است تا به تکیه بر توان داخلی و حرکت به سمت اقتصاد توحیدی، همه اقشار جامعه را در برابر خطرات و بحران‌ها آگاه کرده و رهنمون سازد. به نظر می‌رسد جای خالی توسعه پایدار اسلامی در عمل و در سیاست‌های اجرایی ناچیز است و تدوین سند چشم‌انداز بر مبنای الگوی توسعه اقتصاد اسلامی که موافق فقه و حقوق اسلامی باشد، اقدام مؤثری برای حفظ نظام اسلامی و مصون ماندن از تهدیدات و بحران‌های داخلی و خارجی است.

۷. سهم نویسندگان

نگارش مقاله حاضر حاصل تلاش و همکاری نویسندگان بوده است.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی ژرفا، قم، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، ۱۳۹۳.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، تکلمه العروث الوثقی، قم، مکتب الداوری، ۱۴۱۴.
- طریحی، فخرالدین محمد بن علی، مجمع البحرین، تهران، مکتب المرتضویه، ۱۳۷۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۳.
- قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمدعلی گرامی و هادی خسروشاهی، تهران، نشر کلبه شروق، ۱۳۷۹.
- کرمی، محمد مهدی، پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه علی اکبر آخوندی و محمد غفاری، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مصحح محمد باقر محمودی، عبدالزهراء علوی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اقتصاد اسلامی، چاپ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۶۰.
- امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و گردآوری شریف رضی، تهران، نشر بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۶.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجایی، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، هدایه الامه الی احکام الائمه، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات المکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۳.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد الحدیثه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۳.
- درتکیده، سید محمد، کنترل ولادت از نگاه قرآن و سنت، چابهار، انجمن قلم اهل بلوچ، ۱۳۹۳.
- شاکری، عباس، مومنی، فرشاد، محمدی، تیمور، بهمن پور، حمید، علیزاده، سعیده، «بررسی اثر اعتماد بر نوآوری در کشورهای با درآمد متوسط (با تأکید بر شعاع بی اعتمادی فوکویاما)»، فصلنامه علوم اقتصادی، دوره هشتم، شماره بیست و نه، ۱۳۹۳.
- صبحی، صالح، شرح نهج البلاغه، به تحقیق علی نقی فیض الاسلام، چاپ اول، تهران، نشر هجرت، ۱۴۲۰.

- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
- یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.